

سهم بندر تائوکه در مناسبات تجاری خلیج فارس در عصر هخامنشی

عین‌الله غریبی^۱
فرشید جعفری^۲
علی لجم اورک مرادی^۳

چکیده:

بندر تائوکه (Taoce) در دوره‌ی هخامنشی بویژه در عصر پادشاهی کورش از مراکز مهم بازرگانی و اقتصادی در پس کرانه‌های شمالی خلیج فارس به شمار می‌رفت. این بندر در کنار رودخانه‌ای قرار داشته که از آن به نام رودخانه‌ی «گرانیس» (Granis) یاد شده است. این رودخانه همان رود شاپور می‌باشد که بخشی از آن به نام رود حله، امروزه در شمال شبه‌جزیره-ی بوشهر به خلیج فارس می‌ریزد و از این جهت بندر تائوکه که می‌توانست به عنوان یکی از کانون‌هایی عمل کند که کشتی‌های تجاری می‌توانستند کالاهای خود را از سهل‌ترین راه از خلیج فارس به ایالت فارس حمل نمایند همچنین این بندر محلی برای اجتماع کورتش‌ها یا کارگران و صنعتگران بوده است. در مورد محل بندر تائوکه اکثر مورخان آن را منطبق با حوالی شهر برازجان امروزی دانسته‌اند. وجود بقایای کاخ‌های کورش هخامنشی در برازجان، نشان دهنده‌ی این واقعیت است که بندر تائوکه در عصر این پادشاه بنیان گردیده است.

واژگان کلیدی: بندر تائوکه، خلیج فارس، هخامنشیان، تجارت و اقتصاد.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ (گرایش مطالعات خلیج فارس) دانشگاه شهید چمران اهواز

۲- کارشناس ارشد تاریخ (گرایش ایران دوره اسلامی) از دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)
jafarifarshid65@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد تاریخ (گرایش ایران دوره اسلامی) از دانشگاه شهید چمران اهواز

روی کار آمدن دولت هخامنشی نویدبخش دوره‌ای جدید از تبادلات اقتصادی و تجاری بود که بنادر و جزایر خلیج فارس در آن سهم عمده‌ای داشتند. پادشاهان هخامنشی توجه ویژه‌ای به خلیج فارس و سواحل و پس کرانه‌های آن از خود نشان داده‌اند. در این میان سهم کورش و داریوش در رونق تجارت خلیج فارس و بنادر آن بیش از دیگر شاهان هخامنشی می‌باشد.

در این عصر خلیج فارس دارای بنادر معتبری بود که نام برخی از آنان مانند بندر «دیلمون» (بحرین)، «آویستانه» (بستانه امروزی)، «هرمزی» (هرمز کنونی) و بندر «تائوکه» در کتب مورخان و باستان‌شناسان ذکر گردیده است. این بنادر واسطه تجارت بین ایران و ممالک تابعه‌ی آن از طریق راه‌های دریایی بوده‌اند. یکی از مناطقی که در این دوره رونق داشته و نئارخوس؛ سردار اسکندر نیز در سفرنامه‌ی خود از آن یاد کرده، بندر تائوکه است.

هدف این تحقیق بررسی یکی از بنادر مهم عصر هخامنشی است که منابع کمتر به آن پرداخته‌اند که می‌تواند به روشن شدن بخشی، هر چند ناچیز از تاریخ این مرز و بوم کمک کند.

در واقع این تحقیق پاسخی است به این پرسش؛ تائوکه در مناسبات تجاری و اقتصادی خلیج فارس در عصر هخامنشی چه سهمی داشته است؟ فرض ما بر این است که نزدیکی و همجواری بندر تائوکه با ایالت فارس و بویژه پاسارگاد به عنوان یکی از پایتخت‌های حکومت هخامنشی و قرار گرفتن این بندر در کنار رودخانه‌ای که به خلیج فارس وصل می‌شد باعث شده بود تا این بندر به عنوان حلقه ارتباط بین خلیج فارس و مکر حکومت هخامنشی عمل کند و سهم عمده‌ای در مناسبات تجاری و اقتصادی داشته باشد. پژوهش حاضر به علت اینکه نظری است، به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

تجارت خلیج فارس در عصر هخامنشی:

ایرانیان مدت‌ها پیش از روی کار آمدن هخامنشیان کرانه‌های خلیج فارس را می‌شناختند و بسیاری از طوایف و تیره‌های ایرانی از جمله بومیان منطقه بشمار می‌آمدند و بطور طبیعی باعث شده بود تا به دریانوردی و تجارت دریایی پی ببرند. با روی کار آمدن هخامنشیان در سال ۵۲۲ ق. م دریانوردی خلیج فارس پیشرفت زیادی کرد و بر اهمیت تجاری دریایی در این خلیج و نواحی مجاور آن بیش از پیش افزوده شد. تردیدی نیست امپراطوری که کورش بنیان گذاشته بود یکی از بزرگترین امپراطوری‌های آن روزگار بوده است. به گفته‌ی گزنفون: «این امپراطوری از یک طرف محدود به بحر احمر و دریای سیاه و جزیره‌ی قبرس و مصر و از جنوب تا حدود مصر و حبشه توسعه یافت» (گزنفون، ۱۳۵۰: ۳۳۵).

هنگامی که مستعمرات هخامنشی به مدیترانه و دریای سیاه کشیده شد، دولت هخامنشی پی به این حقیقت برد که حفظ مستعمرات بحری و برقرار نگاه داشتن ارتباط مرکز دولت با ممالک ماوراء بحار مستلزم بحریه‌ی قوی است. بنابراین ایرانیان بوسیله‌ی ناخدایان یونانی و فنیقی به دریانوردی و کشتی‌رانی آشنایی بیشتری پیدا کردند. در زمان هخامنشیان تجارت بحری و بری به نواحی بسیار دور کشیده شد. ملاحان یونانی، فنیقی، عرب و ایرانی ارتباط بین هند، خلیج فارس، بابل، مصر و بنادر بحرالروم را تأمین می‌کردند.

تجارت جهانی بیش از پیش به نقاط دورتر کشانیده می‌شد و تا نواحی دانوب (Danub) - که امروزه در جنوب غربی آلمان است - و رن (Ren) - که در فرانسه واقع است- رسیده بود و سکه‌های مکشوف در گنجینه‌ها، وسعت آن را نشان می‌دهد (سامی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). آنچه مسلم است هخامنشیان برای امور بازرگانی و همچنین برای مصارف ارتش به ضرب سکه اقدام می‌کردند. بطوریکه در زمان فتح شوش توسط اسکندر، در خزانه‌ی سلطنتی بیش از ۹۰۰۰ تالان (هر تالان = ۲۶ کیلوگرم) سکه‌ی ضرب شده وجود داشت (بابلون، ۱۳۸۸: ۸).

در این دوره ناخدایان ایرانی با کشتی‌های خود در سراسر خلیج فارس، سواحل و جزایر آن با حمایت دولت هخامنشی به دریانوردی پرداخته و بوسیله بنادر و جزایر خلیج فارس با ممالک دور دست مانند عربستان، هندوستان، چین و حتی آفریقا به داد و ستد و رفت و آمد می‌پرداختند (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۸: ص ۱۵). چنانکه مولف کتاب «ایرانیها و شرق آفریقا» در مورد تجارت با شرق آفریقا می‌نویسد: «شرق آفریقا سرزمینی حاصلخیز و دارای منابع غنی و حیاتی از طلا و چوبهای مرغوب و حیوانات کم نظیر و سایر فراآورده‌هایی است که در کشورهای قدیم خاورمیانه از جمله ایران هخامنشی رواج داشت» (فهمی، ۱۳۵۷: ۹).

سه اقدام اساسی داریوش پادشاه هخامنشی در سال‌های نخستین حکومت، تأثیر بسیار مهمی بر ساحل‌نشینان خلیج فارس و تجارت دریایی آن بر جای گذاشت:

۱. آرام کردن ایالت‌های پس کرانه‌ای خلیج فارس در سال ۵۲۰ ق. م
۲. فتح هند و سواحل آن در سال ۵۱۷ ق. م و اعزام یک گروه اکتشاف دریایی به خلیج فارس و اقیانوس هند و دریای سرخ
۳. حفر کانال سوئز در سال ۴۹۷ ق. م و اتصال خلیج فارس به دریای مدیترانه از طریق ایجاد یک آبراه بزرگ در مصر. این اقدامات بخشی از برنامه‌ی گسترده‌ی بازرگانی و اقتصادی داریوش محسوب می‌شود که لازمه‌ی آن ایجاد امنیت در نواحی پس کرانه‌ای و ایجاد راه آبی پیوسته‌ی تجاری از بنادر رودخانه‌ی سند تا بخش‌های شمالی دریای سرخ بود.

تا آن زمان رابطه‌ی بازرگانی قدیمی میان هند و بین‌النهرین وجود داشت و حال هخامنشیان قصد داشتند در جهت منافع خود از آن استفاده کنند. با فتح هند در سال ۵۱۷ ق. م روابط بازرگانی با بومیان هند برقرار شد و بصورت یک تجارت منظم درآمد و کشتی‌های کوچک بین دهانه‌ی رود سند و خلیج فارس رفت و آمد می‌کردند (حسن، ۱۳۷۱: ۵۴).

در متونی که از داریوش بدست آمده، اشاره‌ای به فرستادن کشتی‌های (با خراج) از مصر به ایران وجود دارد، تصور شده که هدف داریوش گشودن راه بازرگانی دریایی از شرق مدیترانه به خلیج فارس بوده است (کورت، ۱۳۷۸: ۶۲). داریوش در جهت تحقق همین

هدف که آرمان او به شمار می‌رفت، یک هیئت اکتشاف دریایی به سرپرستی دریادار خود «سیلاکس» (Silax) کارباندی به خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای سرخ اعزام نمود. از دیگر اقدامات داریوش که هدف آن رونق تجارت خلیج فارس بوده حفر کانال سوئز در سال ۴۹۷ ق. م می‌باشد. راه دریایی بین خلیج فارس و دریایی مغرب و مصر تا پیش از حفر کانال سوئز توسط داریوش، از راه دجله و فرات انجام می‌گرفته است. حفر این کانال و احداث این راه دریایی از دو لحاظ نظر سیاستمدار هخامنشی را به خود جلب کرد:

یکی از نظر لشکرکشی؛ تا نیروی دریایی مدیترانه و بحر اسود و آسیای صغیر برسد. دیگر از نظر اقتصادی و حمل کالاهای وافر بازرگانی مصر به سایر کشورهای تابعه هخامنشی (سامی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۷۶).

تائوکه بندرگاه هخامنشی:

طی هزاره‌ی اول پیش از میلاد و با استقرار حکومت قدرتمند هخامنشیان شرایط جدیدی در سواحل خلیج فارس بوجود آمد که نتیجه‌ی آن آبادی و رونق بخش‌های مرکزی و سواحل ایرانی در کرانه‌های خلیج فارس بود. اقدامات کورش و داریوش در ایجاد امنیت ساحلی و تسهیلات مراودات اقتصادی بین سواحل موجب آبادانی و رونق این مناطق گردید. این اقدامات موجب گسترش شهرنشینی در سواحل خلیج فارس شد و آبادی‌های بسیاری در کرانه‌های آن شکل گرفت. تعدد شهرهای پارسی در پهنه‌ی ایران آن روزگاران، که هنوز آثارش برپاست، حکایت از توانمند شدن جامعه‌ی شهری در دولت هخامنشی دارد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۱).

خلیج فارس در دوره‌ی هخامنشیان بنادر متعددی داشت و این بنادر واسطه‌ی تجارت بین ایران و ممالک تابعه‌ی آن از طریق راه‌های دریایی بوده‌اند. یکی از این بنادر بندر تائوکه می‌باشد.

در مورد نام تائوکه باید گفت، مورخان و باستان‌شناسان آن را به شکل‌های مختلف در کتب خود آورده‌اند؛ مولف کتاب «دریانوردی ایرانیان» می‌نویسد: «در میان بنادر خلیج فارس عصر هخامنشی این اسامی شهرت بیشتر داشته: دیلمون، تاکه گوگانه، آویستانه،

هرمزی» (رائین، ۱۳۵۶، ج ۱: ۱۳۶). بندر دیلمون را منطق بر بحرین امروزی، آویستانه همان بستانه امروزی در نزدیکی بندر لنگه، هرمزی همان هرمز فعلی و تاکه گوگانه بندر تائوکه دانسته‌اند. علی سامی نیز در کتاب خود از همین بنادر تجاری نام می‌برد با این تفاوت که از بندر تائوکه با نام «تاک» یاد می‌کند (سامی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۴۵).

استرابو جغرافی‌دان و آریان (Arrian) مورخ یونانی از این محل با عنوان «تائوکه» یاد کرده‌اند (وثوقی، ۱۳۸۹: ۳۳). ویسپوفر از آن با عنوان «تائوکا» یاد می‌کند و می‌گوید تائوکا احتمالاً همان تائوکه است که بطلمیوس جغرافی‌دان نام می‌برد (ویسپوفر، ۱۳۷۷: ۱۰۲). جان مانوئل کوک نویسنده‌ی شاهنشاهی هخامنشی نوشته است: «اخیراً روشن شده که «تموکن» (Tamukan) که در الواح تخت جمشید از آن به عنوان محلی نام برده شده که ملزومات و کارگران مصری در آنجا تحویل شهرهای استان‌های جنوبی ایران می‌شدند، همان تائوکه است» (کوک، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

گرچه مورخان و باستان‌شناسان بندر تائوکه را به اشکال گوناگون در کتب خود ضبط کرده‌اند، اما همه‌ی آن‌ها در مورد محل و تاریخ بنای آن اتفاق نظر دارند که این بندر در حوالی شهر برازجان در استان بوشهر و در عصر کورش هخامنشی ساخته شده است. کورش هخامنشی که در سال ۵۵۹ ق. م بر تخت شاهی ایران نشست و به مدت سی و یک سال سلطنت کرده بود (ابن عبری، ۱۳۶۴: ۹۰)، در طول حیات پادشاهی خود به ساختن کاخ‌هایی در قلمرو خود پرداخت. چنان‌که در ۷۵ کیلومتری شمال غربی شهر عیلامی انشان، مرکز سلطنتی جدیدی به نام پاسارگاد تأسیس کرد (کورت، ۱۳۷۸: ۴۵). کاخی متعلق به کوروش در سال ۱۳۵۰ هـ ش و بدنبال حفاری کانالی که باید از منطقه جنوب غربی شهر برازجان عبور کند، پدیدار گشت و توسط دکتر سرفراز حفاری و به ثبت رسید. این کاخ که به «کاخ چرخاب» معروف است در یک کیلومتری جنوب شهر برازجان و در حدود پانصد متری جاده آسفالته برازجان- بوشهر قرار گرفته است. پیر بریان سازه‌ی این کاخ را به سازه‌ی کاخ مسکونی پاسارگاد شبیه می‌داند و بنا به اظهار نظر او به‌طور قطع این کاخ سکونتگاهی متعلق به دوران سلطنت کوروش کبیر است (بریان، ۱۳۸۷: ۱۴۱۹).

بر طبق اظهار نظر دکتر سرفراز آنچه تاکنون ضمن عملیات اکتشافی ظاهر شده عبارت است از بنایی مرکب از دوازده ستون در دو ردیف شش تایی که از ترکیب دو نوع سنگ سیاه و سفید تشکیل شده است. پایه‌ی ستون‌های این کاخ فقط با پایه ستون‌های کاخ اختصاصی کوروش در پاسارگاد قابل مقایسه است و اختلاف رنگ سیاه و سفید در استعمال پایه ستون‌ها فقط در پاسارگاد دیده می‌شود و در کاخ ساحلی برازجان تناسب در همه جا رعایت شده است و بدون شک این پیشرفت هنری، هماهنگی و تناسب سنگ‌های سیاه و سفید در این بنا در طول مدت سلطنت کوروش بوده است (سرافرازی و تیموری، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۷). در پوشش کف این کاخ از نوعی ملاط سفید رنگ سرامیک مانند به ضخامت ۴ میلی‌متر استفاده شده است. آثار مکشوفه مؤید آن است که سقف مسطح ابتدا بوسیله‌ی ملاطی ساروج مانند، هموار و سپس با کاربرد ردیفی از آجر، فرش شده است. استفاده از لایه‌ای قیر طبیعی بمنظور ایزوگام سقف، این بنا را بسیار منحصر- به‌فرد نموده است (کریمیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۹).

از آنجایی که مورخان و باستان شناسان در اظهار نظرهای خود در باره‌ی حفاری‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از سنگ‌های رنگین در ساختن بنا و شکل مستطیل آن (در تقابل با مربع) نشانه‌ی زمان کوروش است، بنابراین به‌طور قاطع می‌توان پذیرفت کاخ برازجان که در محل باستانی بندر تائوکه قرار دارد، در آغاز فرمانروایی هخامنشیان و احتمالاً توسط همان معمارانی ساخته شده است که کاخ پاسارگاد را بر پا داشته‌اند. یکی از اولین و مهم‌ترین اقداماتی که دولت هخامنشی و بویژه بنیانگذار آن کوروش و پس از آن داریوش به آن پرداخت، فراهم کردن زمینه‌های تجارت دریایی و زمینی و متعاقب آن ایجاد مراکز بازرگانی- تجاری بود. آلبر شاندور در این زمینه می‌نویسد: «در این دوره [عهد کوروش] جریان عظیمی از مبادله در سرتاسر ایران روان است و این ارتباط بازرگانی با دورترین نقاط جهان نقش موثر در حفظ ثروت عمومی، در توزیع آن به صورت بخشهای کوچک و در تأمین رفاه پیشه‌وران و صنعتگران دارد» (شاندور، ۱۳۸۱: ۴۰۸).

یکی از این مراکز تجاری، بندر تائوکه بوده است و بدون شک در زمان خود تا دریا فاصله‌ی زیادی نداشته و به عنوان بندر ساحلی به صورت یک پایگاه تجاری عمل

می‌کرده است. نثارخوس، سردار اسکندر مقدونی در سفرنامه‌ی خود از رودخانه‌ای بنام «گرانیس» نام برده که بندر تائوکه در ساحل آن قرار داشته است. نثارخوس در سال ۳۲۶ ق. م پس از گذر از چندین جزیره در خلیج فارس به بندرگاهی به نام «اپوسانه» رسید که همان بندر بستانو (نزدیک بندر لنگه) است و از آنجا به سمت بندر تائوکه حرکت نموده. وی محل بندر تائوکه را در کنار رودخانه‌ی گرانیس معرفی می‌کند (حسن، ۱۳۷۱: ۵۳). در مورد محل دقیق رودخانه‌ی گرانیس اطلاعات دقیقی در دست نیست. اما به نظر می‌رسد با توجه به واقع شدن بندر تائوکه در کنار آن، رودخانه‌ی گرانیس می‌بایست همان رود شاپور باشد که در شمال بندر بوشهر به خلیج فارس می‌ریزد. رود شاپور از ارتفاعات کوهمره در ایالت فارس سرچشمه می‌گیرد و از تنگ چوگان و شهرستان‌های کازرون و دشتستان و شمال بوشهر می‌گذرد و به خلیج فارس می‌ریزد (مصاحب، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۴۲۷). آنچه به نظر می‌رسد این رود می‌بایست در دوران هخامنشی که نثارخوس با نام گرانیس از آن یاد می‌کند، قابل کشتیرانی بوده است.

آنچه مسلم است در عهد هخامنشی شبه‌جزیره‌ی بوشهر و جزیره‌ی خارک برای پادشاهان هخامنشی ناشناخته نبوده و این پادشاهان از ظرفیت تجاری این لنگرگاه‌های سواحل شمالی خلیج فارس آگاهی داشته‌اند. چنانکه پیر بریان از ساخت ترعه‌ای در کنار بوشهر در عهد داریوش هخامنشی یاد می‌کند (بریان، ۱۳۸۷: ۱۴۲۳). در مورد جزیره‌ی خارک نیز می‌توان گفت وجود مقابر کنده شده در سنگ به رسم هخامنشیان که بر سطح سنگی جزیره دیده می‌شود، دلیل روشنی بر حضور هخامنشیان در این منطقه از خلیج فارس می‌باشد (آل احمد، ۱۳۵۳: ۳۴).

به نظر می‌رسد در این عهد کشتی‌های بزرگ تجاری که قصد داشتند کالاهای خود را به راحت‌ترین صورت به پایتخت دولت هخامنشی برسانند، پس از نزدیک شدن به لنگرگاه‌های بوشهر و خارک، کالاهای تجاری خود را بوسیله‌ی کشتی یا قایق‌های رودخانه‌ای از طریق رودخانه‌ی گرانیس به بندر تائوکه می‌بردند و سپس از راه زمینی این اقلام وارداتی به ایالت فارس حمل می‌شد. بنابراین می‌توان گفت این بندر بدلیل واقع شدن پایتخت و ایالت مهم پارس در نواحی مجاور و پس‌کرانه‌ای آن از اهمیت

بسیاری برخوردار شد و از مهم‌ترین بنادر کرانه شمالی خلیج فارس به شمار می‌آمد و در واقع در عهد هخامنشی به عنوان حلقه‌ی ارتباطی خلیج فارس با ایالت پارس و پایتخت آن پاسارگاد عمل می‌کرده است.

به طور کلی وجود آثار بندر تائوکه در پس کرانه‌های شمالی خلیج فارس حاکی از اهمیت تجارت دریایی در عهد هخامنشی می‌باشد و کشفیات اخیر در شهر برازجان روشن می‌کند که فرمانروایان این سلسله در مناطق مجاور سواحل خلیج فارس به احداث بناهای سلطنتی مبادرت ورزیده‌اند، تا در آنجا نیز بتوانند سیادت خود را بر این آبراه مهم تجاری عملی سازند.

اجتماع کورتش‌ها در تائوکه:

یکی از ویژگی‌های اساسی شهرهای تازه تأسیس هخامنشی به‌ویژه در عصر کوروش، ورود و اسکان بسیاری از گروه‌های مختلف مردمی از جمله بازرگانان و صنعتگران بوده است (شاندور، ۱۳۸۱: ۳۶۸)، که این خود بطور طبیعی باعث رشد و توسعه‌ی شهرها چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی می‌شده است. بندر تائوکه از جمله مناطقی بوده که بازرگانان و پیشه‌وران و کارگران زیادی در آن مشغول کار بودند. مردمانی که «کورتش» (kurtash) نامیده می‌شدند در بایگانی‌های تخت جمشید بیشتر به صورت کارگر مطرح شده‌اند. گروه‌های مشابهی آرامی (گرد) و بابلی (گاردو) نیز نام برده شده‌اند. برخی این واژه را معادل برده، برخی معادل کارگر آزاد و برخی دیگر شیوه‌ای برای بیان و تعریف نیروی کار در دسترس برای استخدام می‌شمارند (کورت، ۱۳۷۸: ۱۲۴-۱۲۳). ویسپوفر عقیده دارد بندر تائوکه محلی بوده که در آن صدها کورتش به عنوان نیروی کار حتی از نواحی بسیار دور مانند ترکیه و کاپادوکیه (Kappadokia)؛ واقع در قسمت شرقی ترکیه امروزی گرد آمده بودند و کار می‌کردند و در اینجا مانند بسیاری از جاهای دیگر که نامشان در لوحه‌ها آمده است، به دشواری می‌توان تصور کرد که فقط این کورتش‌ها کار و زندگی می‌کردند، بلکه روستاییان و کشاورزان آزاد پارسی، پیشه‌وران و حتی مالکان همراه با زارعان خود بوده‌اند که در اقتصاد و فرهنگ دولت هخامنشی نقش بسزایی ایفا می‌کردند (ویسپوفر، ۱۳۷۷: ۱۰۲).

نتیجه‌گیری:

آنچه مسلم است همجواری ایالت فارس به عنوان یکی از ایالت‌های مهم هخامنشی، با پس‌کرانه‌های خلیج فارس باعث رونق سواحل خلیج فارس و تجارت وابسته به آن شده بود. وجود آثار هخامنشی در بندر تائوکه در پس‌کرانه‌های شمالی خلیج فارس حاکی از با اهمیت بودن تجارت دریایی در عهد هخامنشیان می‌باشد و نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است که شاهان هخامنشی برای عملی کردن سیادت خود بر این آبراه مهم تجاری اقدام به ایجاد شهرهایی در پس‌کرانه‌ی خلیج فارس کرده‌اند که بندر تائوکه یکی از نمونه‌های این شهرها می‌باشد. این بندر بدلیل واقع شدن در کنار رودخانه‌ی گرانیس یا رود شاپور، که شعبه‌ای از آن به دریای پارس ملحق می‌شود، به عنوان واسطه‌ی ارتباط بین خلیج فارس و ایالت فارس عمل می‌کرده است. پاسارگاد یکی از پایتخت‌های مهم هخامنشی، نزدیکترین مسیر به دریا را از طریق بندر تائوکه داشته است و این خود باعث رونق شکوفایی این بندر می‌شده است.

منابع و مأخذ:

- آل‌احمد، جلال، (۱۳۵۲) جزیره خارک، درّ یتیم خلیج، چ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن‌عبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن، (۱۳۶۴) تاریخ مختصر الدول، ترجمه محمدعلی تاج‌پور، حشمت‌الله ریاضی، چ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۲۸) بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران: چاپخانه مجلس.
- بابلون، ارنست، (۱۳۸۸) سکه‌های ایران در دوران هخامنشی، ترجمه ملک ملک‌زاده بیانی - خانبابا بیانی، چ اول، تهران: انتشارات پازینه.
- بریان، پیر، (۱۳۸۷) امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، چ سوم، تهران: نشر پژوهش فرزاد روز.
- حبیبی، محسن، (۱۳۷۵) از شار تا شهر، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حسن، هادی، (۱۳۷۱) سرگذشت کشتی‌رانی ایرانیان، ترجمه امید اقتداری، چ اول، مشهد: شرکت به نشر (آستان قدس رضوی).

رائین، اسماعیل، (۱۳۵۶) دریانوردی ایرانیان، چ دوم، تهران: ۱۳۸۹، ج ۱.

سامی، علی، (۱۳۸۹) تمدن هخامنشی، چ دوم، تهران: انتشارات پازینه، ج ۲ و ۱.

شاندرو، آلبر، (۱۳۸۱) کورش، ترجمه محمد قاضی، چ هشتم، تهران: انتشارات زرین.

فهمی، عبدالسلام عبدالعزیز، (۱۳۵۷) ایرانیها و شرق آفریقا، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

کورت، آملی، هخامنشیان، (۱۳۷۸) ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چ اول، تهران: انتشارات ققنوس.

کوک، جان مانوئل، (۱۳۸۸) شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چ چهارم، تهران: انتشارات ققنوس.

کریمیان، سرافراز و ابراهیمی، (۱۳۸۹) «بازیابی کاخ‌های هخامنشیان در برازجان با اتکا به داده‌های باستانشناسی»، باغ نظر، ش ۱۴، ص ۴۹.

گزنفون، (۱۳۵۰) کورش نامه، ترجمه رضا مشایخی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مصاحب، غلامحسین، (۱۳۸۰) دایره‌المعارف فارسی، چ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۲.

ویسهوفر، یوزف، (۱۳۷۷) ایران باستان (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد)، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چ اول، تهران: انتشارات ققنوس.